

چکیده

استفاده از فرهنگ و به خدمت گرفتن ابزارهای فرهنگی در دیپلماسی در مقایسه با ابزارها و اهرم‌های رایج دیگر در روابط بین‌الملل دارای امتیازاتی است که باعث شده کشورها از این پتانسیل برای ارتقا و بهبود روابط بین‌الملل بهره‌برند. بر همین اساس، دیپلماسی فرهنگی با استفاده از ابزارهای فرهنگی و هنری به دنبال شناسایی، تعریف و ترویج ارزش‌ها و منافع مشترک میان ملت‌هاست. بررسی‌ها نشان می‌دهد که عوامل مداخله‌گری به شکل‌های مختلف در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران دخیل هستند که می‌توانند در مسیر حرکت دیپلماسی فرهنگی تغییراتی ایجاد کنند. لذا شناسایی عوامل مداخله‌گر در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند به شناخت بهتر از رویکردها و دیدگاه‌های مختلف در دیپلماسی فرهنگی کمک کند. به‌علاوه، این شناسایی می‌تواند بر جهت افزایش قدرت نرم کشور و ارتقای تأثیرگذاری فرهنگی در جهان نیز مؤثر باشد. بر این اساس پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد پدیدارشناسانه و مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته با ۲۴ نفر از سفراء صاحب‌نظران، مدیران ارشد حوزه دیپلماسی فرهنگی، مبلغین دینی، شخصیت‌های فرهنگی مردمی فعال در حوزه بین‌الملل با هدف شناخت عوامل مداخله‌گر در میدان اجرای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران انجام شد و در نهایت یافته‌ها در قالب عوامل: تعدیل‌گر، ضعف و کاستی، تهدید و فرصت محیطی استخراج و دسته‌بندی شد.

■ واژگان کلیدی

عوامل مداخله‌گر، دیپلماسی فرهنگی، پدیدارشناسی، عوامل تعدیل‌گر، تهدید و فرصت محیطی

بررسی پدیدارشناسانه عوامل مداخله‌گر

در اجرای دیپلماسی فرهنگی

جمهوری اسلامی ایران

محمد تابش

دانشجوی دکتری رشته مدیریت و برنامه‌ریزی امور فرهنگی، دانشکده حکمرانی اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران (tabesh110@gmail.com)

علی رشیدپور

دانشیار، گروه مدیریت، دانشکده حکمرانی اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول) (alirashidpoor94@gmail.com)

سید رضا صالحی امیری

دانشیار، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی امور فرهنگی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (dr.salehiamiri@gmail.com)

رضا ابراهیم‌زاده دستجردی

استادیار، گروه مدیریت، دانشکده حکمرانی اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران (ebrahimzadeh2020@gmail.com)

۱- بیان مسئله

دیپلماسی سال‌هاست که در روابط جایگاه، کارکردها و اقتضائات خاص خودش را داشته و در شرایط گوناگون نیز به انحای مختلفی بروز یافته است. در واقع دیپلماسی مذاکراتی برای دستیابی به اهداف خاص در ارتباط بین کشورهاست. فرهنگ به‌عنوان ذات دیپلماسی و یا روش دیپلماسی محسوب می‌شود و دیپلماسی فرهنگی نمودی است که می‌تواند به‌عنوان «استقرار فرهنگ یک کشور در حمایت از اهداف سیاست خارجی یا دیپلماسی» تعریف شود (Ociepka & Arendarska, 2021). دیپلماسی فرهنگی به کشورها این امکان را می‌دهد که فرهنگ، جامعه و مردمش را به دیگران معرفی کند و از طریق این ارتباطات بین مردم کشورهای مختلف، سیاست‌ها و ارزش‌هایشان را در انظار و افکار عمومی جذاب سازند (رستگاری، ۱۳۹۵).

دیپلماسی فرهنگی، بخش جدایی‌ناپذیر از دیپلماسی عمومی است (Yang, 2019) و این دیپلماسی مغز متفکر قدرت ملی است و دولت‌ها به کیفیت دیپلماسی خود به‌عنوان کاتالیزوری برای عوامل مختلفی که قدرت آن‌ها را تشکیل می‌دهد، متکی هستند. اتکا بر سنت‌ها و نهادها، به‌جای تکیه بر ظهور گاه و بیگاه افراد برجسته، تداوم کیفیت دیپلماسی را به بهترین نحو تضمین می‌کند. اهمیت دیپلماسی فرهنگی از دو بعد قابل تبیین است. اول به‌عنوان ابزار قدرت ملی و تأمین منافع کشورها مورد توجه قرار می‌گیرد و از دیگر سو نسبت به سایر انواع دیپلماسی چون دیپلماسی سیاسی و اقتصادی، کم‌هزینه‌تر، دارای ماهیت نرم و قابل‌پذیرش و همچنین برخورداری از گستردگی حوزه‌های تعامل و با مدیریت و فعالیت عوامل غیرسیاسی و... است (رستگاری، ۱۳۹۵). به عبارتی دیگر، دیپلماسی فرهنگی تلاش می‌کند با استفاده از فرهنگ و عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی مانند ایده‌ها، ارزش‌ها، اطلاعات، هنر، زبان و ادبیات، بر افکار عمومی دیگر کشورها تأثیر بگذارد و از همین روست که دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان ابزاری برای جذب، اقناع و نفوذ شناخته می‌شود (MUIR & all, 2020). در واقع می‌توان گفت که دیپلماسی فرهنگی استفاده از فرهنگ یک دولت در پشتیبانی از اهداف سیاست خارجی و ارتباط با یک حکومت و مردم آن برای اثرگذاری مثبت بر آنهاست (بصیری و خوانساری فرد، ۱۳۹۵).

در این میان کشور ایران با اتکا به ظرفیت‌های عظیم تمدنی و فرهنگی خود می‌تواند نقش فعالی را در عرصه بین‌الملل ایفا کند و اتخاذ یک استراتژی کارآمد در دیپلماسی

فرهنگی و بازیابی جایگاه جمهوری اسلامی ایران در عرصه جهانی می‌تواند در بهبود شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی کشور بسیار راهگشا باشد.

همچنین در حالی که جهان امروز عبور از دوران گذار و ایجاد نظم جدید جهانی را تجربه می‌کند، ایران اسلامی در این دوره انتقال با تکیه بر خودباوری برخاسته از انقلاب اسلامی، می‌تواند یکی از منابع اصلی در شکل دادن به نظام آینده جهانی باشد.

دولت‌ها معمولاً از دیپلماسی فرهنگی جهت ارائه چهره موجه از خود و پیشبرد اهداف سیاست خارجی از طریق تبلیغ محصولات فرهنگی خود در خارج از کشور، مانند ادبیات، هنر، فیلم، تئاتر و غیره بهره می‌گیرند. در تعریفی جامع‌تر می‌توان بیان داشت، دیپلماسی فرهنگی عبارت است از «تلاش برای درک، مطلع ساختن، مشارکت دادن و تأثیرگذاری بر مردم دیگر کشورها و تبادل ایده‌ها، اطلاعات، هنر و دیگر جنبه‌های فرهنگ میان ملت‌ها به منظور تقویت تفاهم متقابل» (کاوه پیشقدم و میرزا، ۱۳۹۹).

باید توجه داشت که مبادله و درک ایده‌ها و اطلاعات در خلأ اتفاق نمی‌افتد و نیاز به برنامه، ابزار و تلاش مستمر دارد. در جمهوری اسلامی ایران دیپلماسی فرهنگی به عنوان یکی از ابعاد سیاست خارجی، جهت تأثیرگذاری بر ادراکات، ارزش‌ها و باورهای سایر ملت‌ها و شناخت متقابل از فرهنگ‌های دیگر به منظور تأمین و تقویت منافع ملی کاربرد دارد؛ اما در عمل با موانعی از سوی دشمنان و رقبای منطقه‌ای مواجه است که برخی از آن‌ها ناشی از قدرت سخت (محدودسازی مرزهای جغرافیایی، تحریم‌های اقتصادی و...) و برخی دیگر ناشی از قدرت نرم (تبلیغات گسترده، ضعف دیپلماسی مناسب و...) می‌باشند. مداخله‌گران به شکل‌های مختلفی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران دخیل هستند. عوامل مداخله‌گر می‌توانند نهادهای داخلی، بین‌المللی یا حتی افرادی باشند که با تغییر رویکردها و دیدگاه‌های فرهنگی در کشورهای دیگر، تأثیرگذاری می‌کنند. شناسایی عوامل مداخله‌گر بر دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند به شناخت بهتر از رویکردها و دیدگاه‌های مختلف در دیپلماسی فرهنگی کمک کند. به علاوه، این شناسایی می‌تواند به جهت افزایش قدرت کشور و ارتقای تأثیرگذاری فرهنگی در جهان مؤثر باشد. در این مقاله تلاش شده است تا با بررسی عوامل مداخله‌گر بر دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تأثیرات آن بر قدرت دیپلماسی فرهنگی کشور بررسی شود.

۲- پیشینه پژوهش

امروزه دیپلماسی فرهنگی برای پیشبرد منافع و دستیابی به اهداف کشورها در عرصه جهانی مورد استفاده واقع می‌شود. دولت‌ها از دیپلماسی فرهنگی به منظور ترسیم چهره و تصویر مطلوب در اذهان و افکار عمومی بهره می‌برند. عرصه دیپلماسی فرهنگی باعث می‌شود که فرهنگ و اندیشه فرهنگی دولت‌ها، به افکار عمومی جهانیان نمایش داده شده و جایگاه ملت‌ها در نظام بین‌المللی مشخص گردد. در مقابل با ارائه تصویر نامناسب، عرصه به نفع تبیین‌های نادرست از نظام فرهنگی تغییر و زمینه را برای شکل‌گیری نوعی توافق جهانی علیه فرهنگ و تمدن غنی کشور فراهم می‌آورد. با این تفاسیر در ادامه مروری بر پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران انجام شده است.

۱۱۲

حق پرست (۱۴۰۱) در پژوهش مدل مطلوب سیاست‌های فرهنگی ایران در چین با آینده‌نگری نظام سیاسی جمهوری خلق چین با اشاره به اینکه چین به دلیل جمعیت قابل توجه خود پروژه‌های موفق برای دیپلماسی فرهنگی ایران محسوب می‌شود این نکته را مطرح می‌کند که ایران نیز بنا به سنت‌های تاریخی، تمدنی و هنری خود فرصت‌های بسیاری در این حوزه پیش رو دارد. عمرانی (۱۴۰۱) در پژوهش توصیفی-تحلیلی نقش دیپلماسی فرهنگی با تأکید بر گردشگری در افزایش منزلت و پرستیژ سیاسی جمهوری اسلامی ایران این موضوع را مطرح می‌کند که با مدیریت مطلوب ابزارها و ظرفیت‌های مختلف دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی، این ظرفیت و توان وجود دارد که علی‌رغم تبلیغات سوء، چهره واقعی و مطلوب حکومت و ملت ایران مورد تبلیغ و پذیرش بین‌المللی و جهانی واقع شود. کولایی و باقری (۱۴۰۱) در پژوهش چالش‌های دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی دریافتند که برای ایران امنیتی شدن دستور کارهای فرهنگی این کشور و برای ترکیه زمزمه نوع‌ثمنی‌گری و هراس از تسلط منطقه‌ای ترکیه، چالش اساسی فراروی دیپلماسی فرهنگی آن در آسیای مرکزی است. به نظر می‌رسد در این دوره سی ساله در عرصه کنشگری فرهنگی دو کشور در آسیای مرکزی، سرانجام نتیجه آن، ناکامی نسبی بوده است. در مطالعه تطبیقی دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در عراق (۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰)، نیز ایران به لحاظ شرایط و فرصت‌ها در موقعیت بهتری نسبت به ترکیه قرار دارد، ولی تمرکز بر مذهب شیعه و مباحث مقاومت در عراق، باعث توجه کمتر به سایر شاخص‌های دیپلماسی فرهنگی شده است. ولیکن در مقابل ترکیه با

رویکرد منفعت‌طلبانه توانسته با بهره‌گیری از ابزارهایی همچون زبان، توسعه گردشگری، مباحث علمی و آموزشی، دیپلماسی رسانه‌ای نهایت استفاده را ببرد و نفوذ بیشتری در عراق به دست آورد (پورعلی و همکاران، ۱۴۰۱).

چوپانی نجف‌آبادی (۱۴۰۱) با اشاره به پدیده ایران هراسی، دیپلماسی فرهنگی را به مثابه ابزاری برای مقابله با این پدیده به خصوص در منطقه خاورمیانه مطرح می‌نماید. قربانی گلشن‌آباد (۱۴۰۰) در بررسی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در عربستان سعودی دریافت که مؤلفه‌های ارزشی-بینشی، بیشترین درجه اهمیت را از نظر صاحب‌نظران، در مقایسه با سایر مؤلفه‌ها به خود اختصاص داده و البته ایران میزان موفقیت بیشتری، هم در شرایط فعلی (۱۴۰۰) هم در شرایط آتی (۱۴۰۴) خواهد داشت. در حوزه بررسی دیپلماسی فرهنگی با کشورهای همسایه در پژوهش بررسی چالش‌های حوزه دیپلماسی فرهنگی ایران با کشورهای عربی منطقه خاورمیانه نیز جمهوری اسلامی ایران به دلیل حضور فرهنگی در طول تاریخ توانسته با استفاده از دیپلماسی فرهنگی با این کشورها به همکاری‌های فراوانی دست یابد، اما در راستای بهبود این پیشرفت‌ها با چالش‌هایی روبه‌رو شده است (خالدی و همکاران، ۱۳۹۹). قنبرلو (۱۴۰۰) در مطالعه دیپلماسی فرهنگی و جایگاه بین‌المللی ایران به مشکلات و چالش‌های دیپلماسی فرهنگی ایران می‌پردازد و فقدان استراتژی منسجم، تعدد نهادهای سیاست‌گذار، غفلت از بخش خصوصی، ضعف کارگزاران دولتی و غلبه نگاه ایدئولوژیک را از مهم‌ترین عوامل دخیل در تضعیف دیپلماسی فرهنگی کشور ذکر می‌کند. صادقی و مشهدی (۱۳۹۸) نیز دریافتند که استفاده از دیپلماسی فرهنگی فعال و پویا و همگام با سرعت و کیفیت دنیای دیجیتال امروز می‌تواند نقش مهمی در تعمیق روابط ایران و ارمنستان در دیگر سطوح ایفا کند. منیری و همکاران (۱۳۹۷) نیز در بررسی ارائه استراتژی مناسب دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی مبتنی بر مقایسه تطبیقی با ترکیه استراتژی «محافظ کارانه» برای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را پیشنهاد کردند. همچنین در حوزه بررسی دیپلماسی فرهنگی با آسیای شرقی و اروپا عراقچی و جنتی محب (۱۳۹۶) در مطالعه موردی روابط ایران و ژاپن در دوران تحریم دریافتند که دو کشور با انجام تبادلات فرهنگی مختلف در شرایط سخت ناشی از تحریم‌ها، سعی در تلطیف فضای منفی ایجاد شده و باز نگاه‌داشتن کانال‌های ارتباطی نموده‌اند. درخشه و اسماعیلی (۱۳۹۶) نیز در مطالعه دیگری دریافتند که گسترش علاقه و شناخت نخبگان و توده مردم ایتالیا به ارزش‌های

فرهنگ و تمدن اسلامی- ایرانی و زبان و ادبیات فارسی امکان تحقق اهداف دیپلماسی فرهنگی را فراهم نموده است.

در حوزه بررسی آسیب‌های دیپلماسی فرهنگی به نظر اژدری و همکاران (۱۳۹۷) ایران در موقعیت راهبرد محافظه‌کارانه قرار دارد و لازم است نسبت به تقویت اشتراکات دینی، فرهنگی و تاریخی، گسترش مناسبات و همکاری فرهنگی، اقتصادی و علمی، تربیت نیروی انسانی متخصص، بازنگری در قوانین اقدام کند. ابوالحسن شیرازی (۱۳۹۶) نقش انجمن‌های دوستی در روابط بین‌الملل و تأثیرگذاری عوامل فرهنگی بر دیپلماسی و چگونگی استفاده مؤثر از «قدرت نرم» در پیشبرد دیپلماسی کشورها را مورد بررسی قرار داده است. جمشیدی و همکاران (۱۳۹۵) نیز مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در تغییر دیدگاه و ادراک مردم یک کشور نسبت به دیگری را ارتباطات میان فرهنگی می‌دانند که با افزایش آگاهی و شناخت ملت‌ها از یکدیگر و رفع سوءتفاهم‌های احتمالی، زمینه را برای مشروعیت تصمیم دولت‌ها به تنش‌زدایی فراهم می‌کند.

در بین پژوهش‌های خارجی اونالمیز و باسران معتقدند که پس از انقلاب اسلامی، ایران به دنبال همدلی با جوامع شیعی است و یک واکنش عمومی از طرف ایران، آنها را درگیر فعالیت‌های دیپلماسی عمومی می‌کند (Unalmis & Basaran, 2019). اوکال فرهنگ را در جایگاه قدرت نرم در سیاست خارجی ایران قرار می‌دهد و معتقد است که ایران از فرهنگ و زبان خود به عنوان یک دستگاه قدرت نرم در سیاست خارجی خود استفاده می‌کند (OCAL, 2018). کوریلوف و همکاران نیز بیان می‌دارند که دیپلماسی فرهنگی از ابزارهایی چون زبان، فرهنگ، جهانگردی بهره می‌برد و اهمیت قدرت نرم در راهبرد سیاست خارجی ایران را رو به رشد می‌دانند (Kurylev & et al, 2017).

با بررسی پژوهش‌های موجود مشخص شد که مطالعه‌ای در خصوص عوامل مداخله‌گر در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی انجام نشده و همین امر اهمیت انجام یک بررسی جامع در این موضوع را نشان می‌دهد.

۳- روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه به روش کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی انجام یافته است. در پدیدارشناسی هدف اصلی، ساده‌سازی تجربیات شخصی افراد در رابطه با یک پدیده (در اینجا عوامل مداخله‌گر در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران) و توصیف جوهره

کلی آن است. برای نیل به این هدف محقق پدیده‌های را مشخص می‌کند و در ادامه به جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز خود از اشخاصی می‌پردازد که آن پدیده را تجربه کرده‌اند و سپس توصیفی از ماهیت و جوهره آن تجربه برای کلیه افراد ارائه می‌نماید (Creswell 2007). در پدیدارشناسی توصیفی تصویری مشروح و بسیار دقیق از پدیده همراه با داده‌های جدیدی که ممکن است با حقایق و داده‌های پیشین در تناقض باشد ارائه می‌شود. طبقه‌بندی‌ها و نوع‌شناسی، ارائه توالی مراحل پژوهش و گزارش تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش بر اساس روش پدیدارشناسی مبتنی بر مدل کلایزی اصلاح شده است. در این رویکرد در آغاز، تجارب شخصی مرتبط با پدیده‌ای که تحت مطالعه است توصیف، سپس فهرستی از جملات و عبارات معنی‌دار ایجاد و در ادامه، فهرست و به هر یک از عبارات، ارزش یکسانی داده می‌شود. در مرحله بعد تعبیر و تفسیر کردن جملات و عبارات معنی‌دار فهرست شده و گروه‌بندی آنها به واحدهای اطلاعاتی بزرگ‌تری که واحدهای معنادار یا مضامین خوانده می‌شوند، صورت می‌گیرد و بعد از آن توصیفی از آنچه مشارکت‌کنندگان در مطالعه در رابطه با پدیده مورد نظر تجربه کرده‌اند، نوشته می‌شود.

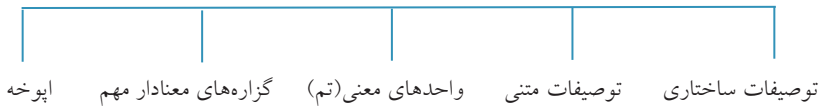
نمونه‌گیری این تحقیق مبتنی بر روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع نظری است و محقق به طور هدفمند افراد خاصی را بر اساس تجربه فعالیت علمی یا عملی در حوزه دیپلماسی فرهنگی، نوع فعالیت و حضور در حوزه‌ها، سن و سطوح مختلف اجتماعی و کسب تجربیات متنوعی از موضوع مورد نظر را انتخاب نموده است. گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته از ۲۴ نفر از سفرا، صاحب‌نظران، رایزنان و کارداران فرهنگی، مدیران حوزه دیپلماسی فرهنگی، مبلغین دینی، شخصیت‌های فرهنگی بخش مردمی فعال در حوزه بین‌الملل صورت گرفته است.

جدول شماره ۱: ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش

سابقه (سال)			سمت علمی و اجرایی					تحصیلات		جنسیت		
۱۵-۲۰	۱۰-۱۵	۵-۱۰	استاد دانشگاه	فعال فرهنگی برون‌مرزی	پژوهشگر	رایزن	سفیر و کاردار	وزیر، معاون سازمان و مدیرکل	کارشناسی ارشد	دکتری و معادل	زن	مرد
۹	۱۱	۴	۸	۴	۳	۴	۵	۷	۵	۱۹	۱	۲۳

زمان مصاحبه‌ها ۱۲۰ تا ۱۶۰ دقیقه بود. تحلیل مصاحبه‌ها به روش تحلیل هفت مرحله‌ای کلایزی بود. به این صورت که ابتدا مصاحبه‌ها به صورت گفتاری و کلمه کلمه نوشته و سپس گزارش مصاحبه‌ها به صورت نوشتاری آماده شد. در مراحل بعدی واحدهای معنایی به صورت جمله از متن گزارش مصاحبه‌ها استخراج و به صورت کدهایی مشخص شد. در ابتدا ۱۶۱ مفهوم استخراج شد که بعد از دسته‌بندی و ادغام موارد مشابه به ۲۸ بعد تقلیل و نهایتاً در ۴ مضمون اصلی دسته‌بندی شد. جهت بررسی قابلیت اعتماد یافته‌های این پژوهش نیز به چند نفر از شرکت‌کنندگان ارسال و تایید نتایج تحلیل مصاحبه از طرف آن‌ها از صحت یافته‌ها اطمینان حاصل شد.

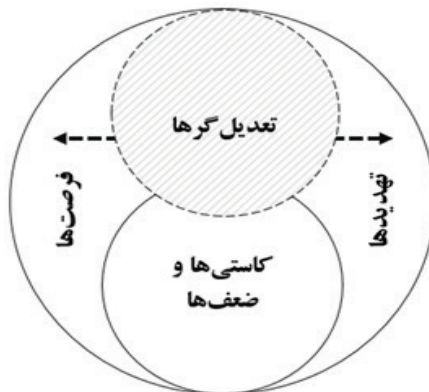
جوهره و ماهیت پدیده



شکل ۱ - الگوی کدگذاری یک مطالعه پدیدارشناسی، (Creswell, 2007).

۴- یافته‌های پژوهش

عوامل مداخله‌گر در میدان اجرای دیپلماسی فرهنگی، همواره از عواملی هستند که اجرای راهبردهای دیپلماسی فرهنگی را تحت تأثیر قرار داده و بر انتخاب، شدت و ضعف هر یک و یا میزان اثرگذاری آن تأثیر دارند. برخی از این عوامل به بافت محیط برمی‌گردد و شکل تهدید و فرصت به خود می‌گیرد؛ و برخی دیگر نیز در سازوکار و بافت درون دیپلماسی فرهنگی است و در نتیجه، ضعف‌های خود را نشان می‌دهد. برخی موارد نیز حالت بینابینی دارند و عوامل تعدیل‌گر شناخته می‌شوند.



شکل ۲ - چهارچوب مفهومی عوامل مداخله‌گر در راهبردهای دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران

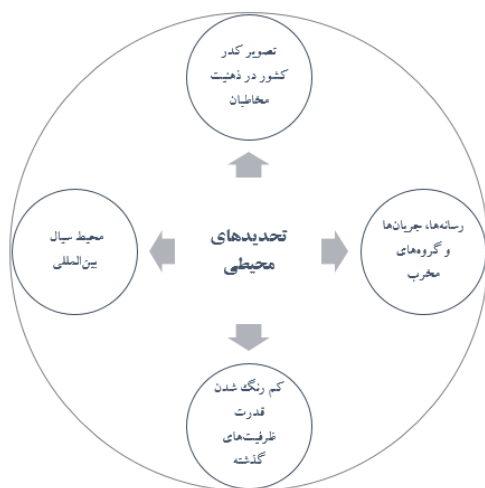
آنچه در مصاحبه‌ها به عنوان تهدید شناخته شد، در درجه اول تصویر کدری است که از جمهوری اسلامی ایران در ذهنیت مخاطبان نقش بسته است. این تصویر نادرست به علت اقدامات رقبا، مخالفین، معارضین و برخی از ایرانیان خارج از کشور به وجود آمده است و یا ناشی از شناخت ناکافی ملت‌ها از ایران و فرهنگ و تمدن ایرانی است که در نتیجه‌ی فقدان تعاملات فرهنگی ایران حاصل گردیده است. به علاوه، فضای ایران هراسی و شیعه‌هراسی نیز بر ذهنیت مخاطبان تأثیر گذاشته است. همچنین نقش مخربی که پدیده مهاجرت مسلمانان به ویژه افرادی که از تخصص علمی و فنی کمتری برخوردار هستند، بر ذهنیت مخاطبان تأثیر داشته است. این نگرش منفی، یک مقاومت و مانعی در مخاطبین نسبت به اقدامات دیپلماسی فرهنگی ایران ایجاد کرده است.

عامل مؤثر دیگر در این خصوص رسانه‌ها، جریان‌ها و گروه‌های مخرب هستند که از یک‌سو در اختلاف‌افکنی و تخریب وجهه اسلام و ایران نقش دارند؛ و از سوی دیگر، فعالیت گروه‌های معاند که مانع فعالیت دیپلماسی فرهنگی، همکاری با مخاطبان و بازیگران به ویژه ایرانیان خارج از کشور شده و آنها را تحت فشار قرار داده است. به خصوص در شرایطی که رسانه‌های مستقل و فراگیری جهت انعکاس فعالیت‌های دیپلماسی فرهنگی وجود ندارند، رسانه‌های غربی با بایکوت اقدامات و یا پمپاژ اخبار و اطلاعات منفی، بر ذهنیت مخاطبان نسبت به جمهوری اسلامی ایران و اسلام تأثیر منفی می‌گذارند. این تقابل گفتمان‌های رقیب که توسط رسانه‌ها و افراد جریان‌ها در مقابل پیام و گفتمان دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران ایجاد گردیده، مانعی اصلی برای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید.

برخی مشارکت‌کنندگان نیز به کم‌رنگ شدن قدرت ظرفیت‌های گذشته‌ی دیپلماسی فرهنگی ایران مانند اسلام‌شناسی، شرق‌شناسی، زبان فارسی اشاره کرده و علاقه‌مندان به آن را مورد توجه قرار دادند. این امر در حوزه تمدنی نیز با تغییر شرایط بین‌المللی، توسعه رسانه‌ها و فراگیری فضای مجازی و نزدیک شدن جوامع به یکدیگر از یک‌سو و بالا رفتن سن و یا فوت اسلام‌شناسان و ایران‌شناسان از سوی دیگر، آن جایگاه قبلی خود را از دست داده است. به علاوه، برتری عناصر اولیه دیپلماسی فرهنگی یعنی اسلام و ارزش‌های انقلاب اسلامی، در نتیجه‌ی اقدامات مخالفان و رقبا، طی سالیان گذشته تضعیف شده است.

برخی از افراد، سیالیت محیط بین‌المللی را تهدیدی برای دیپلماسی فرهنگی دانستند. ایشان بر این عقیده بودند که ناپایداری سیاسی محیط بین‌الملل، مانع ترسیم راهبردهای چند ساله در حوزه دیپلماسی فرهنگی می‌گردد. آن‌ها چنین بیان داشتند که:

«شما زمان زیادی باید صرف کنید و اقدامات زیادی باید صورت گیرد تا در یک کشور بتوان با افراد و سیستم‌ها ارتباط برقرار نمود و یا افکار عمومی را تحت تأثیر قرار داد؛ اما به یک‌باره با تغییر یک رئیس‌جمهور کلیه جریان‌ها تغییر شکل می‌دهند و دیگر امکان فعالیت قبلی وجود ندارد».



شکل ۳- تهدیدهای محیطی، مداخله‌گر در راهبردهای دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران

عوامل محیطی دیگر که مورد اشاره مصاحبه‌شوندگان قرار داشت، فرصت‌هایی هستند که دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در جهت پیشبرد اهداف و راهبردهای خود، از آن‌ها بهره می‌گیرد.

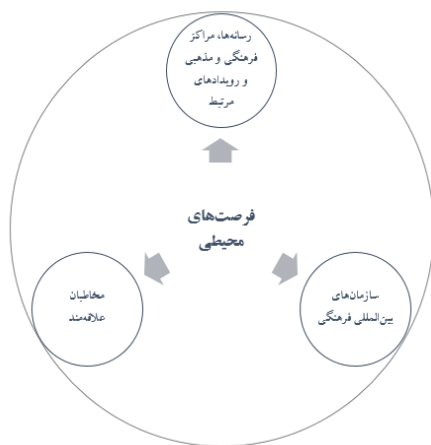
رسانه‌های همسو، مراکز فرهنگی، اسلامی و شیعی و رویدادهای مرتبط با ایرانیان خارج از کشور، همگی ساختارها و ابزار ارتباطی که مد نظر دیپلماسی فرهنگی است را فراهم می‌آورند تا به صورت غیرمستقیم پیام فرهنگی ایران را به مخاطبان برسانند. تعدادی از مصاحبه‌شوندگان نیز به نقش سازمان‌های فرهنگی منطق‌های و بین‌المللی

اشاره کردند. این سازمان‌ها یک دروازه و تریبون جهت پیشبرد اهداف فرهنگی ملی هستند و هم‌زمان نقشی تعدیل‌کننده بر فعالیت‌های دیپلماسی فرهنگی دارند.

«سازمان‌های بین‌المللی فرهنگی در جایی که امکان حضور مستقیم دستگاه دیپلماسی فرهنگی وجود ندارد، به ما کمک می‌کنند که در قالب این سازمان‌ها در آن مناطق حضور داشته باشیم و پیام خود را در آن قالب و با حساسیت کمتر به مخاطبان برسانیم. به علاوه، در قالب این سازمان‌ها می‌توانیم یک اتحاد فرهنگی را شکل دهیم و جایگاه خود را در جهان چند جانبه‌گرایی حفظ کنیم. در واقع، سازمان‌های بین‌المللی همانند یک مکمل در کنار ساختارهای ملی، عمل می‌کنند».

جهان شاهد تغییر نگرش بشر از توجه به مادیات به امور معنوی است و پیام با منشأ معنویت دیپلماسی فرهنگی، پاسخی بر آن است. به علاوه، مخاطبان علاقه‌مند که کشش درونی و علاقه قلبی به ایران دارند، پذیرای اقدامات دیپلماسی فرهنگی هستند و فقط مخاطب و مصرف‌کننده نیستند؛ بلکه رسانه‌هایی هستند تا با باز تولید پیام، پیام دیپلماسی فرهنگی را منتقل کنند. این مخاطبان با رشد جمعیتی و کسب جایگاه در کشورهای هدف، عامل پیونددهنده‌ی فرهنگ‌ها و عامل موفقیت دیپلماسی فرهنگی می‌باشند.

۱۱۹

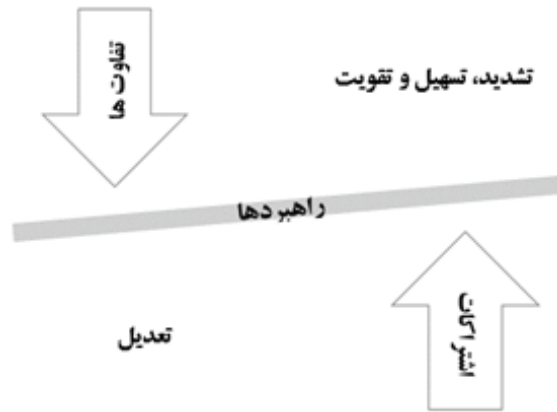


شکل ۴- فرصت‌های محیطی، مداخله‌گر در راهبردهای دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران

گروهی از مصاحبه‌شوندگان به عواملی پرداختند که به گون‌های نقش تعدیل‌گر را برای دیپلماسی فرهنگی ایفا می‌کند و شدت و کاهش آن‌ها در راستای تقویت یا محدودیت دیپلماسی فرهنگی عمل می‌نماید.

اشتراک‌ها و تفاوت‌های فرهنگی، تاریخی و ساختاری، عامل تأثیرگذار در شکل‌گیری روابط فرهنگی و دیپلماسی فرهنگی است. هرچه اشتراک‌های فرهنگی، تاریخی و ساختاری میان دو کشور بیشتر باشد، دستگاه دیپلماسی فرهنگی با سهولت بیشتر و وجود موانع کمتری، می‌تواند به کار خود بپردازد. آن‌ها به این نکته اشاره داشتند که ماهیت دولتی یا غیردولتی بخش فرهنگ در کشورهای مختلف، ساختار سیاسی حاکم و سطح دموکراتیک بودن کشورها، سطح و تاریخچه روابط، اشتراک‌ها یا تفاوت در مناسبت‌های فرهنگی، از جمله عوامل تسهیل‌کننده یا به وجود آورنده‌ی مانع برای فعالیت‌های دیپلماسی فرهنگی است.

۱۲۰



شکل ۵- تأثیر اشتراک‌ها و تفاوت‌های فرهنگی، تاریخی و ساختاری بر راهبردهای دیپلماسی فرهنگی

برخی از افراد، نقش پارادوکس و تفاوت محتوایی را که در مفاهیم و اقدامات دیپلماسی فرهنگی وجود دارد، مطرح نمودند. اولین نکته مورد اشاره، تفاوت تعریف از فرهنگ و عناصر و مؤلفه‌های آن میان ایران و برخی کشورها است. مثلاً جمهوری اسلامی ایران مؤلفه دین را فرهنگی می‌داند؛ اما کشورهای سکولار، نگاه متفاوتی به این مؤلفه دارند. به علاوه، یک دوگانگی‌هایی در اقدامات دیپلماسی فرهنگی وجود دارد. برای نمونه، دیپلماسی تقریبی و وحدت اسلامی با دیپلماسی شیعه‌گرایی و یا زاویه‌ی نگاه تمدنی با نگاه اسلامی و انقلابی به دیپلماسی فرهنگی از جمله پارادوکس‌ها و چالش‌های دیپلماسی فرهنگی

است. هرچند در دیپلماسی فرهنگی تلاش در جهت هم راستا کردن و هم تکمیلی این موارد بوده است؛ در برخی موارد شاهد چالش‌هایی در این خصوص بوده‌ایم. برخی مشارکت‌کنندگان، نقش تحولات فنی و تکنولوژی اطلاعات را به عنوان یکی از عوامل مداخله‌گر در دیپلماسی فرهنگی مطرح کردند. رشد سریع تکنولوژی به ویژه تأثیر رسانه‌ها و فضای مجازی در نزدیک کردن جوامع و اثربخشی مثبت یا منفی بر اقدامات دیپلماسی فرهنگی نقش دارد. این تکنولوژی، از یک‌سو در رساندن پیام به مخاطبان، تسهیل، تسریع، ارتباط دوسویه و مفاهمه ایجاد می‌کند و از سوی دیگر، کوچک‌ترین اتفاقات داخلی را انعکاس وسیع داده و یا بالعکس بایکوت می‌نماید. یکی از مصاحبه‌شوندگان به تأثیر تغییرات دموگرافیک در کشور هدف، می‌گوید:

«ترکیب جمعیتی و بافت دموگرافیک جامعه هدف، شامل میانگین سنی، جنسیت، تحصیلات، گرایش‌های مذهبی و... است. رشد و ترکیب جمعیت مسلمانان در کشورهای هدف ناشی از مهاجرت و ازدیاد نسل، مسن شدن جمعیت در برخی از کشورهای اروپایی و یا تغییر تعداد فارسی‌زبانان در کشورهای هدف، از ایرانیان به سمت افغانستانی‌ها است؛ به عبارت دیگر، در آینده شما با برتری فارسی‌زبانانی مواجه هستید که به جای آنکه فارسی «حرف» بزنند، فارسی «گپ» می‌زنند.»

تعدادی از مصاحبه‌شوندگان مطرح نمودند که سطح و کیفیت روابط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی عاملی تأثیرگذار بر دیپلماسی فرهنگی است. آنها اشاره کردند که هرچه تاریخچه روابط روشن و خوب باشد، فرهنگ و تمدن ایران شناخته شود، فضای دوستی و حس اعتماد و اطمینان از صلح‌جویانه بودن اقدامات میان دو کشور برقرار باشد، روابط فرهنگی نیز بهتر شکل می‌گیرد؛ بنابراین، گشایش‌های سیاسی و حل مسائل سیاسی کلان جمهوری اسلامی ایران با جامعه جهانی، این محدودیت‌ها را کم خواهد نمود. منافع ملی و اولویت‌پیگیری آن در هر زمان و مکان، عامل دیگری است که یکی از مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره می‌کند؛ چرا که دیپلماسی فرهنگی در تناسب با منافع ملی جمهوری اسلامی ایران تعریف می‌شود:

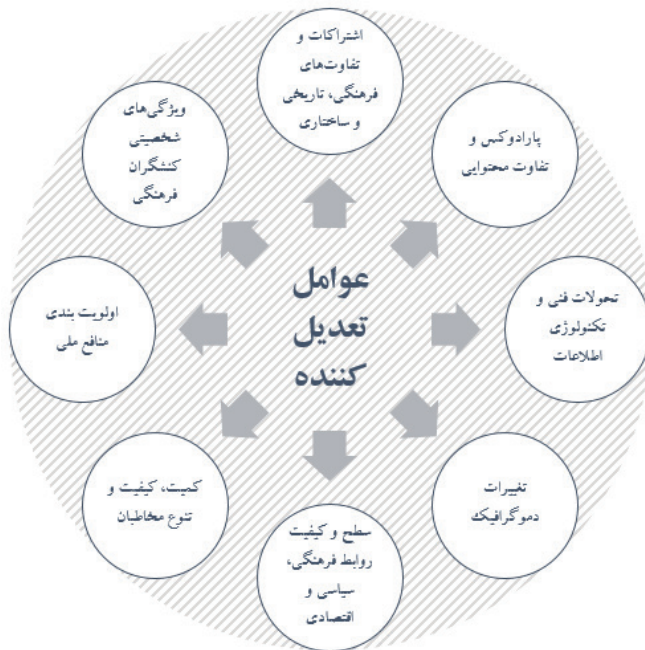
«اولویت‌بندی منافع ملی به کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، درجه ضرورت، فوریت و اهمیت آنها از عواملی هستند که بر اساس آن، دیپلماسی فرهنگی در یک کشور

شکل می‌گیرد. برخی مواقع باید منافع بلندمدت‌تر و مهم‌تر را مد نظر قرار داد و از موارد سطحی و زودگذر عبور کرد».

گروهی از مشارکت‌کنندگان، ویژگی‌های شخصیتی کنشگران فرهنگی را عاملی دانستند که دیپلماسی فرهنگی در یک کشور بر اساس آن تعریف، تقویت، یا تغییر شکل می‌یابد:

«فرهیبختگی فرهنگی، باور قلبی و زمینه‌های فردی قوی حاصل‌شده از تحصیل، مطالعه و تجربه، پیش‌زمینه‌ی یک کارگزار فرهنگی به عنوان نماینده یک کشور فرهنگی و دارای تمدن است. هر چه رایزنان از فرهیبختگی بالاتری برخوردار باشد، بهتر می‌توانند رسالت‌های دیپلماسی فرهنگی را محقق کنند. این ویژگی‌ها، بر اساس نقطه قوتی که برای یک کارگزار ایجاد می‌کنند، همان جنبه‌های که کارگزار زمینه‌ی آن را دارد را نیز بیشتر تقویت می‌کند».

۱۲۲



شکل ۶- تعدیل‌ترهای مداخله‌گر در راهبردهای دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران

کاستی‌ها و ضعف‌هایی که در محیط داخلی وجود دارد نیز از جمله مواردی بود که توسط مشارکت‌کنندگان به عنوان مؤلفه تأثیرگذار بر اقدامات و راهبردها مطرح شد.

گروهی نیز عدم اقتناع عمومی از هزینه کرد منابع، جهت اقدامات دیپلماسی فرهنگی در خارج از کشور و نسبت آن با افزایش رفاه اجتماعی در داخل کشور را مطرح نمودند. مسئله‌هایی که در نتیجه آن، نوعی بدبینی و عدم اعتماد میان حاکمیت و مردم ایجاد می‌گردد و مردم پشتیبانی لازم را از اقدامات آن‌ها به عمل نخواهند آورد. برخی نیز تعدد و تشتت بازیگران و نهادها را عامل تأثیرگذار بر راهبردها دانستند که با ایجاد رقابت‌های درون و میان سازمانی، ضعف در تعریف مناسبات و ارتباطات، اصطکاک‌ها و مانع‌تراشی‌ها و موازی کاری‌ها، تصویر و پیامی متشتت از ایران را به مخاطبان و طرف‌های خارجی ارائه کرده و سبب سردرگمی آن‌ها می‌شود. این ناهماهنگی چه در سطح برنامه‌ریزی و چه در سطح مدیریت می‌دانی، باعث اختلال در کار می‌گردد. برخی دیگر از مصاحبه‌شوندگان، بر مسئله شناسی دیپلماسی فرهنگی و عدم ارائه تعریفی صحیح از آن برای مسئولین و عدم اولویت این موضوع برای بعضی افراد، تأکید داشتند:

«ما در دیپلماسی فرهنگی به یک بلوغ سیاسی و عزم و اراده ملی نیاز داریم؛ به گونه‌ای که این موضوع درست تعریف و ارتباط آن با حوزه‌های دیگر مشخص شود و تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران در کلیه سطوح حاکمیت بر آن اتفاق نظر داشته باشند».

عده‌ای دیگر از مشارکت‌کنندگان، مسئله حاکمیت فرهنگی و استیلای سیاست بر فرهنگ را به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در دیپلماسی فرهنگی عنوان نمودند. آن‌ها چنین مطرح ساختند که وقتی فرهنگ، ابزاری در دست سیاست باشد و دولت محتوای فرهنگ و به دنبال آن دیپلماسی فرهنگی را مشخص نماید، دیپلماسی فرهنگی جایش را به تبلیغات سیاسی خواهد داد. در نتیجه، کوچک‌ترین اتفاق سیاسی داخل کشور در سطح بین‌الملل منعکس گردیده و بر دیپلماسی فرهنگی تأثیر می‌گذارد. در مقابل، هر اقدامی هم که توسط بازیگران در این عرصه با خطا یا بازتاب منفی مواجه گردد، کلیت حاکمیت را مورد هدف و تأثیر قرار می‌دهد. این نگاه ابزاری، با چرخش‌های سیاسی دولت‌ها، امنیتی نگاه کردن به فرهنگ و تغییر و تحولات سیاسی بر مخاطبان و نرخ مشارکت آن‌ها در فعالیت‌ها تأثیرگذار بوده و در بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های فرهنگی؛ مانند تجمعات فرهنگی ایران در خارج از کشور، باعث ایجاد مانع و محدودیت و به وجود آمدن برداشت منفی و سیاسی در نزد طرف‌های مقابل و بازخورد امنیتی و محدودیت‌ساز آنان گردد.

تعدادی نیز ضعف شناخت، دانش و مهارت‌های دیپلماسی فرهنگی را عامل مؤثر بر راهبردها دانستند. آنان مطرح کردند که عدم نگاه تخصصی و علمی به فرهنگ و به طبع آن دیپلماسی فرهنگی به عنوان یک علم، شناخت ناکافی در ابعاد موضوعی دیپلماسی فرهنگی در سطوح مختلف از سیاست‌گذار تا مجری، شناخت محدود از حوزه تئوری دیپلماسی فرهنگی و زوایا و ابعاد آن، جریان‌های حاکم و جاری فرهنگ بین‌الملل، اولویت فرهنگی کشور نسبت به اولویت‌های فرهنگ بین‌الملل، اهمیت اعتبار جهانی فرهنگی در تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری‌ها، ریشه‌های عمیق اثرگذار در کشورها و فرهنگ‌ها، پیامدهای منفی بی‌ثباتی، مقطعی و شتاب‌زده فعالیت‌های فرهنگی، دانش نشانه‌سازی فرهنگی، مرز میان دیپلماسی فرهنگی با دیپلماسی عمومی، پروپاگاندا و فعالیت فرهنگی برون‌مرزی، ظرفیت‌های فرهنگی کشور و ارزش آنها و در آخر، برنامه‌ریزی بر مبنای شناخت محدود، عوامل اثرگذار بر دیپلماسی فرهنگی هستند. به علاوه، ضعف دانش و مهارت در شکل‌دهی اتحادهای فرهنگی، جلب مشارکت و بهره‌گیری از ظرفیت مخاطبان به‌ویژه ایرانیان خارج از کشور و پیچیده انگاشتن دیپلماسی فرهنگی و در نتیجه غافل شدن از بدیهیات این حوزه در میان برنامه‌ریزان و مجریان باعث گردیده تا دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در تدوین یا اجرا با اختلال همراه گردد.

بعضی از مصاحبه‌شوندگان نیز ضعف رایزنان و فعالان فرهنگی خارج از کشور را عاملی بر اجرای راهبردهای دیپلماسی فرهنگی مطرح کردند. آنان معتقد بودند که گاهی در انتخاب و اعزام کارگزاران بحث توانمندی، تحصیلی، تخصصی، فنی و تجربه فرهنگی لازم رعایت نشده است؛ بنابراین، عدم تعریف صلاحیت شغلی لازم جهت انتخاب و اعزام رایزنان در غیاب یک سیستم تربیتی که نیروی انسانی متخصص، ماهر، زبان‌دان و دارای تجربه را در زمینه دیپلماسی فرهنگی و در سطح شناخت فرهنگ و تمدن ایران تربیت نماید، باعث تأثیر منفی بر راهبردها شده است. همچنین باید افزود که در بسیاری از کشورها، رایزن فرهنگی مستقل وجود ندارد. موضوع دیگر در این زمینه، مدت کوتاه مأموریت کارگزاران و رایزنان فرهنگی است که به خاطر رفع تکلیف از وظایف خود، به جای در نظر گرفتن اثربخشی فعالیت‌ها به آمار سازی و گزارش سازی می‌پردازند و همچنین فعالیت‌ها با تغییر رایزنان و کارگزاران، بی‌نتیجه می‌مانند و پیگیری نمی‌شوند. برخی دیگر از مشارکت‌کنندگان، ضعف در گسترش و بهره‌گیری راهبردی از ظرفیت‌ها، زیرساخت‌ها و ابزار مرسوم دیپلماسی فرهنگی را عنوان کردند. ایشان به انجمن‌های دوستی

و تشکل‌های مردمی، کیفیت و کمیت کتب ترجمه‌شده از زبان فارسی، رسانه‌ها، فناوری ارتباطی و وب سایت‌ها به ویژه پشتیبانی زبان کشورهای هدف، محتوا و متون آموزشی، تبلیغی و ترویجی، صنعت سینما، سرمایه‌گذاری در توسعه پایدار صنایع فرهنگی، ذائقه و دیپلماسی غذای ایرانی و صنعت گردشگری اشاره نمودند و تأثیر منفی این موارد بر دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را خاطرنشان ساختند.

عده‌ای دیگر، ضعف قانونی و حقوقی را به عنوان عامل مؤثر بر دیپلماسی فرهنگی مطرح کردند. آنها مطرح کردند که از یک‌سو، خلأهای قانونی مرتبط با ساماندهی دیپلماسی فرهنگی در سطح ملی وجود دارد که الزامات ساماندهی، نظارت، پاسخگویی و... را شامل می‌شود؛ و از سوی دیگر، توافق‌نامه‌های فرهنگی به عنوان چارچوب مورد تفاهم همکاری و اقدامات دیپلماسی فرهنگی با برخی کشورها وجود ندارد و این موضوع با عدم تدوین برنامه‌های اجرایی متناظر یا کلیشه‌ای، حداقلی و به دور از واقعیت‌های می‌دانی و ظرفیتی نیز ضعف رایزنی‌های فرهنگی برای اجرای این تفاهم‌نامه‌ها و برنامه‌هایی که مرتبط با دستگاه‌های متولی مختلف و متعدد است را تشدید می‌کند.

عامل دیگری که اثرگذاری آن بر دیپلماسی فرهنگی مطرح گردید، ضعف‌های ساختاری و سازمانی است. ساختار عریض و طویل دیپلماسی فرهنگی که ناشی از فعالیت بازیگران متعدد در جریان‌های متفاوت است؛ با تحمیل هزینه بالا و بازده کم، چابکی و تحول‌آفرینی را محدود می‌سازد. تغییرات ساختاری ناگهانی و بدون مطالعه، انسجام سازمانی را ناپایدار و متلاطم می‌سازد. ضعف در رصد، ارزیابی و پایش دقیق و سیستماتیک عملکرد ناشی از ماهیت ساختار، اثربخشی دیپلماسی فرهنگی را می‌کاهد.

مدیریت، برنامه‌ریزی و اجرا نیز از موارد پر تکراری است که به شیوه‌های مختلف توسط مصاحبه‌شوندگان طرح گردید. شیوه مدیریت دیپلماسی فرهنگی، دچار ضعف‌هایی است که بر تدوین و اجرای راهبردها تأثیر می‌گذارد. مشخص نبودن سیاست‌گذار، هادی، مجری، ناظر و فرایند آن در دیپلماسی فرهنگی که با اهداف متعدد، عدم اولویت‌بندی آنها، هدف‌گذاری جغرافیایی نامتوازن با منافع و سیاست‌های کلان، عدم انسجام برنامه‌های وجود برنامه‌های متفاوت، عدم مطالعات پایه در برنامه‌ریزی‌ها، شخص محوری و سلیقه محوری در برنامه‌ریزی و اجرا، عدم هم‌جهتی و هم‌پایانی اقدامات و سیاست‌ها، کثرت مراکز فرمان در سطوح مختلف ساختاری با ادبیات متفاوت و گاه متضاد همراه است.

گروهی دیگر، ضعف در مدیریت دانش و اطلاعات را طرح کردند. آمار به عنوان ابزار

سیاست‌گذاری در تبیین وضع موجود و مسیریابی وضع مطلوب، عاملی کلیدی است؛ اما این شفافیت و دقت در جمع‌آوری و مدیریت اطلاعات وجود ندارد. ضعف اشتراک‌گذاری اطلاعات میان بازیگران هم باعث بروز فعالیت‌های تکراری و موازی گردیده و بهره‌وری را کاهش می‌دهد.

تعدادی دیگر از مصاحبه‌شوندگان، ضعف اعتبارات فرهنگی در حوزه دیپلماسی فرهنگی را مطرح کردند. هزینه‌های بالای اقدام‌های برون‌مرزی در کنار هزینه‌های جاری زیاد و مقایسه این اعتبارات با مبالغی که توسط رقبای بین‌المللی در این حوزه هزینه می‌شود، به توضیح این مؤلفه پرداختند:

«بخش فرهنگ، کمترین سهم را از اعتبارات کشور در مقایسه با سایر حوزه‌ها دارا است و از این میان، بخش ناچیزی به دیپلماسی فرهنگی اختصاص می‌یابد. این اعتبارات نیز ریالی و بر اساس هزینه فعالیت‌های داخلی سنجیده می‌شوند و این در حالی است که در خارج از کشور باید هزینه کردها به دلار محاسبه شوند. همین اعتبار اندک نیز در زمان کسر بودجه، اولین بخشی است که محدود یا حذف می‌شود. شاید بالغ بر ۹۰ درصد هزینه‌ها صرف امور جاری و دستمزد می‌شود و دیگر مبلغی برای فعالیت باقی نمی‌ماند».

به علاوه، آنها به موانعی که در مسیر انتقال و هزینه کرد منابع مالی در خارج از کشور به ویژه در زمان محدودیت‌های سیاسی و تحریم‌ها وجود دارد، اشاره نمودند:

«برای هزینه فعالیت‌ها نمی‌توانیم حساب بانکی باز کنیم و همین اعتبار اندک را باید در محل دفتر نگه داریم. موقع پرداخت در کیف و جیب خود حمل کنیم و به افراد پرداخت نماییم. همین یک مسئله است که هم در طرف مقابل حساسیت ایجاد می‌کند و هم وقتی می‌خواهیم با یک دانشگاه یا موسسه و نهاد کار کنیم، دیگر امکان پرداخت نقدی وجود ندارد.»

تقلیل‌گرایی در تعریف مخاطبان، مؤلفه دیگری بود که توسط مصاحبه‌شوندگان مطرح شد. دیپلماسی فرهنگی، ابزاری برای گفتگو و مفاهمه با همگان حتی دشمنان است؛ در حالی که عمق نفوذ دیپلماسی فرهنگی به خاطر قومی، مذهبی و حداقلی تعریف شدن آن و در نتیجه عدم نفوذ در بخش‌هایی از دنیا، جامع و کامل نیست. به دلیل محدودیت‌ها یا سهولت بیشتر کار، نوع مخاطبان به مسلمانان، شیعیان و دوستداران انقلاب اسلامی

محدود و یا به عموم مردم و مخاطبان مختلف کمتر پرداخته شده است. این امر، خود تابعی از محدودیت‌های انسانی و مالی است.

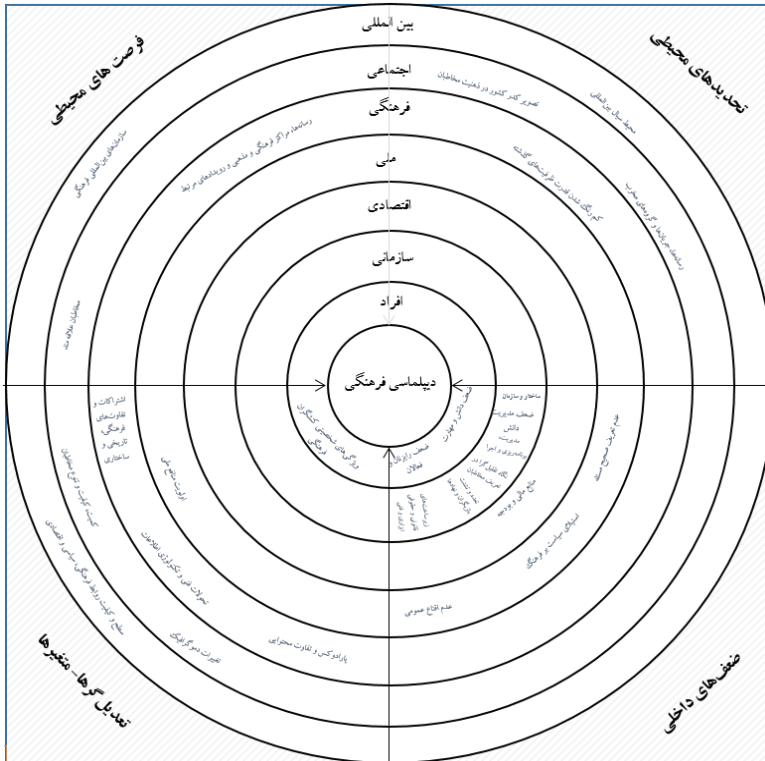


شکل ۷- کاستی‌ها و نقاط ضعف مداخله‌گر در راهبردهای دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران

بحث و نتیجه‌گیری

در این مطالعه عوامل مداخله‌گر که در درون و محیط بیرونی دیپلماسی فرهنگی وجود دارد؛ به عنوان شرایطی که راهبردهای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهند، مورد بررسی قرار گرفتند. این عوامل شامل تهدیدهای موجود در محیط (تصویر کدر کشور در ذهنیت مخاطبان، فعالیت منفی رسانه‌ها، جریان‌ها و گروه‌های مخرب، کم‌رنگ شدن قدرت ظرفیت‌های گذشته ایران، محیط سیاسی سیال بین‌المللی)؛ فرصت‌های موجود در محیط (رسانه‌ها، مراکز فرهنگی و مذهبی و رویدادهای مرتبط همسو، ظرفیت سازمان‌های بین‌المللی فرهنگی، مخاطبان علاقه‌مند به ایران و انقلاب اسلامی)؛ عوامل تعدیل‌کننده «متغیرها» شامل اشتراکات و تفاوت‌های فرهنگی، تاریخی و ساختاری، پارادوکس و تفاوت محتوایی، تحولات فنی و تکنولوژی اطلاعات، ترکیب و تغییرات دموگرافیک، سطح و کیفیت روابط فرهنگی، سیاسی و

اقتصادی، کمیت، کیفیت و تنوع مخاطبان، درجه اولویت منافع ملی، ویژگی‌های شخصیتهای کنشگران فرهنگی فعال؛ کاستی‌ها و ضعف‌های داخلی (عدم اقتناع عمومی، تعدد و تشتت بازیگران و نهادها، عدم تعریف صحیح مسئله، استیلای سیاست بر فرهنگ، ضعف دانش و مهارت، ضعف رایزنان و فعالان، ضعف زیرساخت‌های ابزاری و فنی، ضعف زیرساخت‌های قانونی و حقوقی، شکل ساختار و سازمان دیپلماسی فرهنگی، ضعف مدیریت، برنامه‌ریزی و اجرا، ضعف مدیریت دانش، ضعف منابع مالی، نگاه تقلیل‌گرا در تعریف مخاطبان) است.



شکل ۸: نمودار عوامل مداخله‌گر در راهبردهای دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران

یافته‌های این پژوهش با نتایج تحقیق عمرانی (۱۴۰۱) و ذوالفقاری و غلامعلی (۱۴۰۱) مبنی بر مدیریت مطلوب ابزارها و ظرفیت‌های مختلف دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی، جهت ارائه چهره واقعی و مطلوب حکومت و ملت ایران به جهان؛ نتایج پژوهش پورعلی، دهشیری، قائدی و خداوردی (۱۴۰۱) و قربانی گلشن‌آباد (۱۴۰۰) و اونالمیز و باسران (۲۰۱۹) مبنی بر تمرکز بر مذهب و توجه کمتر به سایر شاخص‌های دیپلماسی

فرهنگی؛ نتایج پژوهش کولابی و باقری (۱۴۰۱) تاکید به امنیتی شدن فعالیت‌های فرهنگی؛ نتایج پژوهش حق‌پرست (۱۴۰۱) تاکید بر سنت‌های تاریخی، تمدنی و هنری و فرصت‌های موجود در این حوزه؛ نتایج پژوهش خالدی، عامری و حسین زاده (۱۳۹۹) که به چالش‌های ارتباط با کشورهای عربی پرداخته و قنبرلو (۱۴۰۰) که فقدان استراتژی منسجم، تعدد نهادهای سیاست‌گذار، غفلت از بخش خصوصی، ضعف کارگزاران دولتی و غلبه نگاه ایدئولوژیک را از مهم‌ترین چالش‌های دیپلماسی فرهنگی کشور ذکر می‌کند، همخوانی دارد.

همچنین نتایج به دست آمده با یافته‌های خالدی اژدری، فرهنگی، صالحی امیری و سلطانی‌فر (۱۳۹۷) و منیری، صالحی امیری و چاوش باشی (۱۳۹۷) که دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را محافظ کارانه دانسته و نیازمند تقویت اشتراکات دینی، فرهنگی و تاریخی، گسترش مناسبات و همکاری فرهنگی، اقتصادی و علمی، تربیت نیروی انسانی متخصص، بازنگری در قوانین می‌دانند، همخوانی دارد. همچنین در حوزه ارتباط با کشورهای غیر همسایه با نتایج پژوهش‌های عراقچی و جنتی محب (۱۳۹۶) و درخشه و اسماعیلی (۱۳۹۶) تطابق دارد. صادقی و مشهدی (۱۳۹۸) نیز دریافتند که استفاده از دیپلماسی فرهنگی فعال و پویا و همگام با سرعت و کیفیت دنیای دیجیتال امروز می‌تواند نقش مهمی در تعمیق روابط ایران و ارمنستان در دیگر سطوح ایفا کند ابوالحسن شیرازی (۱۳۹۶) و اوکال (۲۰۱۸) و کوریلوف، نیکولین و گونچارووا (۲۰۱۷) نیز که رشد بهره‌گیری از ابزارهایی چون زبان، فرهنگ، جهانگردی و دیاسپورا را مایه قدرت نرم در راهبرد سیاست خارجی ایران می‌داند، همخوانی دارد.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، دیپلماسی فرهنگی در خلأ شکل نمی‌گیرد و عوامل محیطی گوناگونی خواسته یا ناخواسته بر عملکرد آن تأثیر می‌گذارد. لذا لازم است این عناصر به خوبی شناسایی و تدابیر لازم جهت مواجهه با آن‌ها اندیشیده شود. محیط دیپلماسی فرهنگی را می‌توان در ابعاد محیط بین‌المللی، اجتماعی، فرهنگی، ملی، اقتصادی، سازمانی، فردی دسته‌بندی کرد. در هر یک از محیط‌ها عوامل متعددی وجود دارد که بر راهبردها اثر می‌گذارد. برخی از این موارد برای راهبردها جنبه تهدید (مانع) دارند. برخی فرصت‌هایی هستند که در محیط وجود دارد که امکان بهره‌گیری از آن وجود دارد. برخی دیگر از این عوامل تعدیل‌گر (متغیر) هستند و در یک طیف بر راهبردها تأثیر مثبت یا منفی می‌گذارند و راهبردها بایست بر اساس این ویژگی‌ها خود را تنظیم کنند.

گروه دیگر از موارد در محیط داخل کشور و داخل سازمان وجود دارد، ضعف‌هایی که فردی یا سیستمی بوده و بر مراحل مختلف تدوین تا اجرای راهبردها تأثیر منفی دارند. در عین حال که عوامل مداخله‌گر جزء جدایی‌ناپذیر از حوزه دیپلماسی فرهنگی است؛ اما شناخت دقیق آن و آمادگی مواجهه با شرایط مختلفی که ایجاد می‌کند نیز لازمه یک ساختار پویا در محیطی پیچیده است تا بتواند زمینه موفقیت و پویایی را در دیپلماسی فرهنگی کشور فراهم آورد.

منابع

۱. ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله (۱۳۹۶). دیپلماسی فرهنگی و نقش انجمن‌های دوستی در روابط بین‌الملل، مطالعات روابط بین‌الملل، ۳۸، ۳۸-۹.
۲. آزدری، لایلا، فرهنگی، علی اکبر، صالحی امیری، سید رضا، و سلطانی فر، محمد. (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و ارائه راهبرد. راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۷(۳)، ۱۵۹-۱۲۳. DOR: 20.1001.1.22517081.1397.7.3.5.8.
۳. بصیری، محمدعلی، و خوانساری فرد، فهیمه (۱۳۹۵). تبیین جایگاه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی، تخصصی علوم سیاسی، ۱۲(۳۵)، ۱۰۴-۷۹. JR_PSQK-12-35_004.
۴. پورعلی، پریسا، خداوردی، حسن، دهشیری، محمدرضا، و قائدی، محمدرضا. (۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در عراق (۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰). مطالعات روابط بین‌الملل. ۵۷، ۲۷-۵۶. PRB-2108-2288 (R2).
۵. چوبانی، نجف‌آبادی حمید (۱۴۰۱). دیپلماسی فرهنگی و مقابله با پروژه ایران هراسی در منطقه خاورمیانه؛ فرصت‌ها و چالش‌ها. سیاست خارجی. ۳۶(۲): ۴۵-۲۷.
۶. حق‌پرست هادی (۱۴۰۱). مدل مطلوب سیاست‌های فرهنگی ایران در چین با آینده‌نگری نظام سیاسی جمهوری خلق چین. پژوهش ملل. ۸۵، ۹۳-۷۵.
۷. خالدی برهنه، بهنام، عامری گلستانی، حسین زاده، حامد، و شانه چی غلامحسین. (۱۳۹۹). بررسی چالش‌های حوزه دیپلماسی فرهنگی ایران با کشورهای عربی منطقه خاورمیانه. مطالعات خاورمیانه (۴) ۲۷. DOI: 20.1001.1.15601986.1399.27.4.3.1.
۸. کاوه، پیشقدم، و محمدکاظم، میرزا هدی (۱۳۹۹). دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها. دانشنامه علوم سیاسی، ۱(۱): ۸۴-۹.
۹. درخشه، جلال، و اسماعیلی کلشیمی، علیرضا (۱۳۹۶). دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در ایتالیا؛ فرصت‌ها، تحدیدها و راهبردها، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۷(۲)، ۵۳-۲۷. DOI: 10.21859/priw-070202.
۱۰. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، خرمشاد، محمدباقر، و رستگاری، محمدحسین. (۱۳۹۴). مؤلفه‌های کلیدی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. رهیافت انقلاب اسلامی، ۹(۳۲)، ۳-۲۴.
۱۱. ذوالفقاری، مهدی، و غلامعلی، علی. (۱۴۰۱). مؤلفه‌ها و ظرفیت‌های زبان فارسی در دیپلماسی فرهنگی ایران. مطالعات ایرانی (۴۱) ۲۱. DOI: 10.22103/jis.2022.16803.2103.
۱۲. عراقچی، سید عباس، و محب، جنتی محب فائزه. (۱۳۹۶). عنوان تأثیر دیپلماسی فرهنگی بر روابط سیاسی و اقتصادی کشورها، مطالعه موردی: روابط ایران و ژاپن در دوران تحریم. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۲۶، ۱۵-۴۹.

۱۳. رستگاری، محمد حسین (۱۳۹۵). دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران؛ چالش‌ها و چینش‌ها. دفتر مطالعات و برنامه ریزی راهبردی معاونت برنامه ریزی و توسعه منابع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۰.
۱۴. عمرانی ابوذر. (۱۴۰۱). نقش دیپلماسی فرهنگی با تأکید بر گردشگری در افزایش منزلت و پرستیژ سیاسی جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات دولت پژوهی در جمهوری اسلامی ایران*. ۸(۳): ۱۱-۴۳. DOI: 20.1001.1.27831914.1401.8.3.1.8
۱۵. قربانی گلشن‌آباد، محمد. (۱۴۰۰). دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران؛ مطالعه موردی: عربستان سعودی *مطالعات قدرت نرم* (۴)، ۱۱، ۲۷۱-۳۰۳. DOI: 20.1001.1.23225580.1400.11.4.14.8
۱۶. قنبرلو، عبدالله. (۱۴۰۰). دیپلماسی فرهنگی و جایگاه بین‌المللی ایران. *مطالعات راهبردی*، ۲۴(۹۳)، ۱۵۷-۱۸۸. DOI: 20.1001.1.17350727.1400.24.93.6.2
۱۷. کولایی، الهه، و باقری، یوسف (۱۴۰۱). چالش‌های دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی. *مطالعات اوراسیای مرکزی*. ۱(۲): ۲۸۹-۳۱۱. DOI: 10.22059/jcep.2020.305304.449939
۱۸. منیری، مهدی، صالحی امیری، سیدرضا، و چاوش باشی، فرزانه (۱۳۹۷). ارائه استراتژی مناسب دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مقایسه تطبیقی ایران و ترکیه. *مطالعات فرهنگ - ارتباطات*. DOI: 20.1001.1.20088760.1397.19.41.5.5
19. Creswell, w. John, (2007), "Qualitative Inquiry and research design; choosing among five approaches", (Second Edition). Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
20. Joseph S. Nye, (2008). Public Diplomacy and Soft Power. The Annals of the American Academy. Volume 616, Issue 1. <https://doi.org/10.1177/0002716207311699>
21. Kurylev, K. P. Nikulin, M. A & Goncharova, A. A. (2017). "Soft Power" OF Cultural Diplomacy of the Islamic Republic Of Iran. Bulletin of the Moscow State Regional University. History and Political Science. DOI: 10.18384/2310-676X-2017-2-46-55
22. MUIR, Robyn. Colombo, Elena. & Ahmed, Ibtisam. (2020). The Politics of Culture: An Interdisciplinary Interrogation of Popular Culture. London: Cambridge Scholars Publishing.
23. Racine, p, William (2009), 'A Qualitative study of motivations and lived Experiences: New venture creation of environmental entrepreneurs in Ohio. Racine, William P. Capella University ProQuest Dissertations & Theses.
24. Samil Ocal. (2018). Culture and Language as a Soft Power Tool in Iranian Foreign Policy. Political sciences, (2), 46-55.
25. Ocieпка, B., & Arendarska, J. (2021). Cultural diplomacy as a network and networking in international relations: The case of cultural diplomacy in Russia. *SAGE Open*, 11(4), 21582440211054119.
26. Tabesh, M., Rashidpoor, A., Salehi Amiri, S. R., & Ebrahimzadeh Dastjerdi, R. (2023). Presenting cultural diplomacy pattern of the Islamic Republic of Iran based on-grounded theory. *Foreign Relations*, 15(2), 158-186. DOI: 10.22034/FR.2023.387746.1357
27. Yang, Yifan (2019) Telling The EUs Story by Others: the Jean Monnet Programme and European Union Public Diplomacy U.S.A Rowman & Littlefi.